

محدوده ارتباط با نامحرم از دیدگاه اسلام

چکیده

موضوع این پژوهش، بررسی محدوده ارتباط با نامحرم در دیدگاه اسلام است. هدف از این نگارش این بود که با توجه به سطح گسترده ارتباطات دو جنس مخالف ضرورت ها و چهارچوب های اسلامی آن بررسی شود.

در این نوشتار تلاش بر این است که از آیات و روایات و دیگر متون دینی بهره گرفته شود تا به نتایج خوبی دست پیدا کند و با توجه به پیامدهای رعایت کردن این ارتباطات و بالعکس، خواننده را مجاب به رعایت محدودیت های ارتباط با نامحرم در چهار چوب دین بکند.

واژگان کلیدی: ارتباط با نامحرم، جنس مخالف، محدودیت، اسلام، ارتباطات.

طرح بحث

در دنیای کنونی به خاطر ضرورت‌های شغلی برای خانم‌ها و ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، باعث اختلاط خانم‌ها و آقایان خصوصاً در دانشگاه‌ها و برخی مشاغل شده است، لذا اسلام برای پیشگیری از معضلات خانواده و اجتماع که در پی آن عقوبت اخروی را هم دربرمی‌گیرد راهکارهای فراوانی را ارائه داده است، زیرا اگر این ارتباطات به خواهش‌های نفسانی و شیطانی تبدیل شود انسان‌ها را به هلاکت می‌رساند و از اهداف بالای انسانی که رشد کمال خود و اطرافیان از جمله همسر و فرزندان است باز می‌دارد. در این مقاله سعی شده است به صورت مختصر به پاره‌ای از ابعاد این قضیه بپردازد.

الف. ضرورت ارتباط با نامحرم

یکی از بیشترین راه‌های ارتباط با نامحرم صحبت کردن است گاهی به علت شغل مشترک یا مسئله تعلیم و تعلم این ضرورت ایجاد می‌شود که با نامحرم در ارتباط باشیم؛ اما مراجع تقلید برای صحبت کردن احکامی را از قرآن و روایات استخراج کرده‌اند که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- صحبت کردن مرد با نامحرم

صحبت‌هایی که به قصد به شهوت انداختن دیگری گفته می‌شود مانند تعریف کردن صحنه‌های تحریک کننده حرام است.

۲- صحبت کردن زن با نامحرم.

خانم‌ها می‌توانند با نامحرم صحبت نمایند مشروط به آنکه:

- به قصد لذت و ریه نباشد.

- صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند.

- خوف افتنان نباشد.

در روایتی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از گفتگو اختلاط با زنان نامحرم نهی کرده،



فرمودند: «فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا؛ (تمیمی، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۱۴، ح ۷۸۸). هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی‌کند، مگر اینکه شیطان سومین آن‌هاست [تا آن‌ها را آن‌گونه که می‌تواند وسوسه کند و به فساد برانگیزد].

و امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیوسته از گفتگو و اختلاط با زنان نامحرم نهی می‌کردند؛ (نوری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۷۳، باب ۸۳، ح ۲) چنان که در روایتی فرموده‌اند:

«عِبَادَ اللَّهِ اعْلَمُوا... مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُوا إِلَى الْبَلَاءِ وَ يَزِيغُ الْقُلُوبَ وَ الرَّمَقُ لَهُنَّ يَخْطَفُ نُورَ

أَبْصَارِ الْقُلُوبِ وَ لَمَحُ الْعُيُونِ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ»؛ (حسن بن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

ای بندگان خدا! بدانید که... گفتگو با زنان [نامحرم] سبب نزول بلا خواهد شد و دل‌ها را منحرف می‌سازد؛ و پیوسته به زنان چشم دوختن نور دیده دل‌ها را خاموش می‌گرداند و همچنین با گوشه چشم [به زنان] نگاه کردن از حيله‌ها و دام‌های شیطان است.

و همچنین فرموده‌اند:

«مَنْ فَآكَهَ امْرَأَةٌ لَا يَمْلِكُهَا [حَسْبُهُ اللَّهُ] بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ»؛ (نوری، بی‌تا، ج ۲۰،

ص ۱۹۸، باب ۱۰۶، ح ۲۵۴۱۸)

هر کس با زن نامحرمی شوخی کند، برای هر کلمه که با او در دنیا گفته است، خداوند او را هزار سال زندانی می‌کند از آنجایی که در اسلام زن وظیفه‌ای در قبال تأمین مخارج زندگی را ندارد.

همان‌طور آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ

أَمْوَالِهِمْ» مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به خاطر برتری، نگهبان زنان‌اند، به خاطر برتری-

هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند.

و از آیات دیگر نیز برمی‌آید که نفقه زن به عهده مرد است. همچنین امام رضا (علیه السلام) در

حدیثی پاداش مردانی را که در راه رفاه خانواده خود تلاش می‌کنند، برتر از مجاهدان در راه خدا

دانسته‌اند و فرمودند:



«الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ

وَ جَلَّ» (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۸۸)

کسی که برای تأمین زندگی خانواده اش در طلب فضل خداوند برمی آید، اجرش بیشتر از مجاهد در راه خداوند است.

متأسفانه برخی از مردان به تصور اینکه آنان مسئول تأمین ضروریات زندگی همسر خود هستند، بر وی منت نهاده وی را به علت هزینه‌های روزمره مورد نکوهش و ملامت قرار می‌دهند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود:

«حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَسُدَّ جَوْعَتَهَا وَ أَنْ يَسْتُرَ عَوْرَتَهَا وَ لَا يُفَيِّحَ لَهَا وَجْهًا» (مجلسی، بی تا،

ج ۱۰۰، ص ۲۵۴):

حق زن بر شوهر این است که او را گرسنه نگذارد و بدنش را بپوشاند و هیچ‌گاه با او بدرفتاری نکند.

دین اسلام در محیط خانواده برای شخصیت زن احترام و ارزش ویژه‌ای قائل شده و مسئولیت مراقبت و پاسداری از حریم زن قبل از ازدواج را بر عهده والدین، به ویژه پدر و بعد از ازدواج را بر عهده‌ی همسر وی قرار داده است. فطرتاً زن هر قدر هم که مقتدر و مستقل باشد، با وجود مشکلات و سختی‌های زندگی نیازمند تکیه گاهی امن و مطمئن است که بتواند از وی محافظت نماید.

با توجه به وظایف مهمی مانند فرزند آوری، تربیت فرزندان که خداوند در خانواده بر عهده زن قرار داده است، وجود محیطی همراه با امنیت خاطر و سرشار از آرامش، اساسی‌ترین نیاز هر زن در جهت فعالیت در چنین جایگاهی است. اگر مرد بتواند در محیط خانواده این اطمینان و آرامش روانی را برای همسر خود مهیا کند، بدون شک همسر او نیز در انجام وظایف خود نسبت به او تربیت فرزندان تلاش بیشتری می‌کند.

خانواده و محافظت از آن، در اسلام آن قدر اهمیت دارد که حتی فدا کردن جان در این راه امری ممدوح و پسندیده شمرده شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند:



«مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۲۰)

در این میان زنانی هستند که به خاطر شرایطی که دارند مجبور به تهیه مخارج زندگی هستند یا اینکه به خاطر ضرورت اجتماع که بعضی مشاغل را دربرمی گیرد مثل شغل معلمی یا مامایی و پزشک زنان و... البته زنانی هستند که هیچ ضرورت خانوادگی و اجتماعی ندارند و البته ظاهراً هیچ منع اسلامی هم برای عدم ظهور آن‌ها در اجتماع وجود ندارد ولی در همه این موارد رعایت کردن احکام ارتباط با نامحرم امری ضروری است.

گرچه در زمینه اصل سخن گفتن زن و مرد، در قرآن به صورت صریح آیه‌ای در نفی یا اثبات وارد نشده، اما می‌توان با مراجعه به آیاتی که گفت‌وگوی زنان و مردان نامحرم را نقل کرده‌اند دیدگاه قرآن را در این باره به دست آورد. با مراجعه به قرآن، می‌توان گفت‌وگوهایی را که از زنان و مردان نامحرم نقل شده‌اند، در دو دسته بررسی کرد:

۳- گفت‌وگوی زنان و مردان معصوم

- گفت‌وگوی حضرت زکریا با مریم (سلام الله علیها): حضرت زکریا (علیه السلام) که کفالت حضرت مریم (علیها السلام) را به عهده داشت، به عبادتگاه او در بیت المقدس سر می‌زد و با وی سخن می‌گفت، از او سؤال می‌کرد و جواب می‌شنید. قرآن در این زمینه می‌فرماید: وقتی حضرت زکریا (علیه السلام) به محل عبادت حضرت مریم (سلام الله علیها) سر می‌زد و در هر نوبت غذای آماده در مقابلش می‌دید، از او می‌پرسید: ای مریم!

پس از آنکه روشن شد ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم مجاز است، پرسش دیگری در ارتباط با کیفیت این ارتباط و چگونگی سخن گفتن و طرز ادای کلمات مطرح می‌شود.

مثلاً لحن های گوناگون از قبیل تند، کند، متواضعانه، متکبرانه و پرخاشگرانه ادا کند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا زن مجاز است در مدرسه و دانشگاه، در کلاس و اداره با جنس مخالف، با عشوه و ناز سخن بگوید؟ آیا می‌تواند در ادای کلمات، صدای خود را رقیق کند، به گونه‌ای که از مردان دلربایی کند؟ مرد چگونه؟ آیا در این زمینه، محدودیتی برای زن و مرد وجود دارد، یا نه، زن و

مرد نامحرم مجازند به هر کیفیتی باهم سخن بگویند؟



قرآن در بیانی زیبا، در عین احترام به استفاده زن از حق طبیعی خود در سخن گفتن و گفت‌وگو با دیگران، آنان را از «خضوع در قول» نهی کرده و فرموده است:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۳)؛

به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و به شیوه‌ای پسندیده سخن بگویند.

«خضوع در قول» حالت خاصی از گویش، همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای کلمات است؛ نظیر سخن گفتن زن با همسر خود در موارد خاص یا حرف زدن مادر با کودک خردسال خود در مواقعی که می‌خواهد توجه او را به خود جلب کند. ویژگی این نوع گویش آن است که احساس ویژه‌ای در مخاطب ایجاد کرده و دل او را به گوینده جلب می‌کند.

آیه از همسران پیامبر خواسته است که در ارتباط گفتاری خود با مردان، این‌گونه سخن نگویند؛ زیرا این امر سبب طمع مردان ضعیف‌الایمان در آنان می‌شود؛ بنابراین، معنای آیه این است: هنگام سخن گفتن با مردان اجنبی، صدای خود را نازک نکنید و کلمات و جملات را نرم و دل‌ریا ادا نکنید؛ زیرا این‌گونه سخن گفتن آنان را (نسبت به مسائل جنسی) به طمع می‌اندازد. (طبرسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۵۵؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۶)

یکی دیگر از مسائلی که بعضی به آن کم‌توجه هستند اینکه تا زمانی که ضرورت پیش نیامده که یک خانم در مسائلی مثل سونوگرافی و زایمان به دکتر مرد مراجعه نکند مگر این که ضرورت مراجعه پیش بیاید و امکان دسترسی به دکتر هم‌جنس وجود نداشته باشد. در این زمینه به نظر چندین نفر از مراجع پرداخته می‌شود:

۴- نظریه مراجع در مورد ضرورت ارتباط با نامحرم

امام خمینی (ره):

اگر ضرورت دارد مراجعه به مرد مانع ندارد، ولی بدون ضرورت با وجود دکتر زن به مرد

مراجعه نکنند. (خمینی، ج ۳، ص ۲۷۹، س ۸۴ و ۸۵)



آیت‌الله اراکی (ره):

نگاه دکتر مرد به زن اجنبی یا لمس آن در حالت اضطراب اشکال ندارد به شرط آنکه پزشک زن از جهت تخصص و قدرت بر معالجه وجود نداشته باشد. (اراک، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۲، م ۲۴۵۵)

آیت‌الله بهجت (ره):

در مواردی که مستلزم لمس و نظر محرم است تا به مرحله ضرورت نرسیده جایز نیست. (محمودی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ خمینی، ج ۳، ص ۱۸۰، با استفاده از س ۳۹۶۱، ۳۹۶۴)

آیت‌الله تبریزی (ره):

اگر ضرورت و احتیاج باشد مثل اینکه زن در دسترس نباشد یا مرد حاذق تر باشد مانعی ندارد. (محمودی، ج ۱، ص ۱۸۴)

آیت‌الله خامنه‌ای:

اگر معاینه و درمان منوط به نظر و لمس حرام باشد جایز نیست مگر در صورتی که مراجعه به پزشک زن حاذق و متخصص غیرممکن باشد. (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۳۱۱ س ۱۳۰۲)

جواب: اگر ضرورت نباشد جایز نیست.

اگر بیمار خانمی که جانش در خطر است به تنها پزشک یک روستای دورافتاده که مرد است، مراجعه کند آیا این پزشک مجاز است هرگونه معاینه ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟

جواب: چنانچه مورد ضرورت باشد اشکال ندارد.

بفرمایید در صورتی که زنی نباشد تا به زائو در وضع حمل کمک کند، آیا مرد می‌تواند دخالت کند؟

جواب: اگر عدم دخالت مرد موجب تهدید حیات مادر یا کودک باشد، مانعی ندارد.

* به طور خلاصه ضرورت ارتباط با نامحرم و کیفیت این ارتباط باید طبق دستورات دینی و احکام اسلامی باشد.



۵- چند استفتاء از آیت‌الله خامنه‌ای:

آیا معاینه افراد غیر بیمار برای کنترل سلامتی آن‌ها، توسط پزشک نامحرم جایز است؟
جواب: اگر ضرورت نباشد جایز نیست.

اگر بیمار خانمی که جانش درخطر است به تنها پزشک یک روستای دورافتاده که مرد است، مراجعه کند آیا این پزشک مجاز است هرگونه معاینه ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟
جواب: چنانچه مورد ضرورت باشد اشکال ندارد.

بفرمایید در صورتی که زنی نباشد تا به زائو در وضع حمل کمک کند، آیا مرد می‌تواند دخالت کند؟
جواب: اگر عدم دخالت مرد موجب تهدید حیات مادر یا کودک باشد، مانعی ندارد.

و موارد دیگر هم هست که باید ضرورت ارتباط با نامحرم با احکام اسلامی مطابقت داده شود و به طور کلی هر جا که در ضرورت ارتباط با نامحرم باید به مراجعه به روایات معتبر دینی و احکام داشته باشیم.

ب. اثرات نامطلوب ارتباط با نامحرم در خانواده و اجتماع

۱. اثرات نامطلوب ارتباط با نامحرم در خانواده

با توجه به مطالب قبل گفته شد که با رعایت موازین اسلامی و در موقع ضرورت مانعی از این ارتباط دو نامحرم وجود ندارد. ولی خداوند روحیه زن‌ها را بر اساس عطوفت قرار داده و این جنسیت از احساسات عاطفی بیشتر برخوردار است.

- بهترین زنان در کلام حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها):

«خَيْرُ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸، به نقل از

مصباح الانوار)

بهترین زنان کسانی هستند که مردان نامحرم او را نبینند و او هم مردان نامحرم را نبیند.

شاید عده‌ای بخواهند به این کلام معصوم (علیها السلام) خرده بگیرند و بگویند اصلاً این امر



شدنی نیست و انجامش محال است، ولی باید گفت حضرت در مقام بیان یک امر ایده آل و ترجیحی می‌باشند؛ امری که رعایت آن رجحان و برتری دارد و مادامی که ضرورتی پیش نیامده است، عمل به آن بهتر و مطلوب‌تر است؛ یعنی در شرایطی که نیازی به ارتباط زنان با مردان نیست، بهتر آن است که زن با هیچ مرد نامحرمی تماس نداشته باشد و این هرگز به معنای ممنوعیت قانونی نیست.

از دیدگاه اسلامی زنان می‌توانند در صورت نیاز، با رعایت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی به عرصه‌های اجتماعی وارد شوند و هیچ معنی از آن نیست. به عبارت دیگر، حکم بیان‌شده در روایت، یک توصیه‌ی اخلاقی ترجیحی است؛ نه یک حکم قانونی تکلیفی.

همان بانو (سلام‌الله‌علیها) می‌فرماید:

«برای زن بهتر است که نه او هیچ مردی را ببیند و نه هیچ مردی او را، آنگاه که مصالح کلی جامعه‌ی اسلامی را درخطر می‌بیند، به سوی مسجد می‌شتابد و در حضور جمع کثیری از مردان مهاجر و انصار، غاصبان خلافت را به محاکمه می‌کشاند؛ و در جای دیگر که ضرورتی وجود ندارد، از اختلاط با نامحرم پرهیز می‌کنند.» (گروه: فرهنگ‌ی هنری قرآن و عترت، ۱۳۹۷، ص ۱۷)

اما اگر این اختلاط به گونه‌ای هوس‌انگیز و شیطانی باشد به طوری که دو نامحرم در فکر و ذهن یکدیگر تاثیر بگذارند و این ارتباط یک رابطه شرعی نباشد بلکه صرفاً برای تفریح و لذت باشد به دو طرف ضربه شدید می‌زند که در احادیث تبری از ناحیه شیطان معرفی شده است.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

«الْتَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا لِغَيْرِهِ اَعْقَبَهُ اللهُ اِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ؛»

نگاه (به نامحرم) تیر زهرآلوده‌ای از تیرهای شیطان است. هر کس آن را برای خدا ترک کند نه به خاطر غیر او، خدا ایمانی به او می‌دهد که مزه آن را می‌چشد.

امام جعفر صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«نظر و نگاه یکی از تیرهای زهرآگین شیطان است و چه بسا یک نگاه سبب حسرت و ندامت

طولانی بشود.» (صدوق، بی‌تا، ص ۶۰۴)



وقتی که در حدیث امام می‌فرمایند که نگاه به نامحرم تیری از ناحیه شیطان است، حتماً عواقب بدی برای انسان در پی دارد، زیرا که تمام امور حرام از سمت اسلام، دارای فلسفه و حکمتی است که مهم‌ترین آن این است که به انسان صدمه جسمی و گاهی روحی می‌زند.

وقتی خانمی با مردی ارتباط خارج از چارچوب اسلامی داشته باشد حداقل آن این است که با یکدیگر رابطه کلامی بیشتر از حد معمول و خارج از ضرورت داشته باشند و اگر این لحن صحبت و نگاه به گونه‌ای شهوت‌انگیز تبدیل شود، اگر یکی یا هر دو متأهل باشند؛ نسبت به همسر خود سرد می‌شوند مخصوصاً خانم‌ها که مجوز بیش از یک همسر را ندارند و اگر هم مجرد باشند و حتی قصد ازدواج داشته باشند، ممکن است پس از ازدواج به خاطر این رابطه غیر اسلامی قبل از ازدواج به یکدیگر بدبین شوند و زندگی‌شان دچار اختلال شود. چراکه بسیاری از طلاق‌های عاطفی؛ ناشی از سردی در زندگی است و کمترین صدمه این است که زن و شوهر دچار طلاق سفید شوند؛ یعنی با یکدیگر زندگی کنند ولی رابطه نرمال زناشویی را باهم نداشته باشند و این صدمات زیادی به کل خانواده و در رأس آن‌ها به فرزندان وارد می‌کند و عموماً کودکان طلاق از نظر روحی و روانی ضربات جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شوند.

تصور کنید آشپزی از صبح در آشپزخانه غذا درست می‌کند و تا شب به غذاهای مختلف ناخنک می‌زند و شب که به خانه برمی‌گردد میلی به غذای خانه ندارد. همین‌طور فردی که از صبح تا شب ناخنک احساسی، روانی و ارتباطی به نامحرم زده، ضمن اینکه مرتکب فعل حرام شده است، وقتی به خانه برمی‌گردد نیز میل بالایی به رابطه حلال با همسرش و گفت‌وگو و تبادل احساسی و روانی با او ندارد. شاید اولین ضرر چنین ارتباطاتی این است که کانون خانواده سرد شده و بدبینی ایجاد می‌شود.

۲. اثرات نامطلوب ارتباط با نامحرم در درون اجتماع

از آنجایی که ارتباط خانه و اجتماع رابطه مستقیم و نزدیکی است هرچه قدر خانواده‌های طلاق زیاد شود، صدمات زیادی به پیکره اجتماع می‌زند. وقتی خانواده‌ها از هم‌پاشیده می‌شوند و ترس از ازدواج مجدد بین این افراد به وجود می‌آید ولی همچنان گزینه جنسی در آن‌ها عموماً از بین نرفته



و اگر این افراد به قیودات مذهبی پایبند نباشند خودش عامل بیشتر برای فساد و ناهنجاری اجتماعی می‌شود و برخی از این فرزندان طلاق هم به این ناهنجاری‌های اجتماعی دامن می‌زنند که یک دور به وجودمی‌آید؛ یعنی خانواده به اجتماع و اجتماع به خانواده ضربه می‌زند.

ارتباط زن و مرد نامحرم یکی از معضلات اجتماعی است که می‌تواند آثار زیان باری داشته باشد و امام علی (علیه‌السلام) درباره تأثیرات ارتباط زن و مرد نامحرم می‌فرماید:

«اختلاط و گفتگوی مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد و دل‌ها را

منحرف می‌سازد.» (مجلسی، بی‌تا، جلد ۷۴، ص ۲۹۱)

نگاه به نامحرم در دین اسلام بسیار مورد نکوهش قرار گرفته چراکه دل‌ها را منحرف می‌کند و

زمینه گناهان بزرگ‌تر را فراهم می‌سازد.

رسول خدا (صلی‌الله علیه و اله و سلم):

«از غرق [یا دفن] شدن و مسخ و زلزله چاره‌ای نیست! عرض کردند: ای رسول خدا! آیا در

این امت؟ فرمود: آری، هنگامی که زنان خوانندگی کنند و زنا را حلال شمارند و ربا خورند و شکار در حرم را حلال گردانند و لباس ابریشم پوشند و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کنند

(هم‌جنس‌بازی کنند)» (نوری، بی‌تا، ج ۶ ص ۱۸۸ ح ۶۷۳۷)

بی‌شک، ارتباط دختر و پسر و زن و مرد نامحرم بدون رعایت حدود شرعی برخلاف فرهنگ

دینی و اعتقادی ماست و پشت پا زدن به پیمان‌هایی است که با خدا بسته‌ایم؛ متعهد شده‌ایم که فقط او را بپرستیم، برخلاف قانون او رفتار نکنیم و در برابر امر و نهی خدا تسلیم باشیم.

«أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ»؛ (نحل/۹۱) به عهده‌ی که با خدا بستید، وفا کنید.

امروزه روابط زنان و مردان نامحرم و مخصوصاً دختران و پسران، بدون رعایت ضوابط شرعی،

زمینه‌ای برای اعمال منافی عفت و زناست و چنان‌که می‌دانید، ایام جوانی دوره شور و احساسات

جنسی و نشاط جسمی است و با بیدار شدن قوای مختلف جسمی، توجه به مسائل عاطفی و

جذاییت‌های ظاهری و فریفتگی جنس مخالف بیشتر می‌شود. چنین روابطی باوجود میل و کشش

شدید جنسی که مقتضای طبیعت سنّ جوانی است، طبیعتاً از نگاه‌های آلوده و صحبت‌های



هوس انگیز و ... خالی نخواهد بود! به هر حال، این ارتباط هیچ جای توجیه ندارد، جز اینکه عامل گسترش فساد اخلاقی این ارتباط هیچ جای توجیه ندارد، جز اینکه عامل گسترش فساد اخلاقی است که عواقب خطرناکی برای جامعه انسانی به همراه دارد.

این نظریه که ممنوعیت ارتباط و اختلاط، باعث افزایش التهاب‌ها می‌شود و برای مهار کردن غریزه جنسی و کاستن از حساسیت، باید هرگونه اختلاطی را مجاز دانست، نه باتجربه واقعیت‌ها سازگاری دارد و نه با علم، هم‌خوانی. آیا در دنیای غرب که هرگونه اختلاطی مجاز دانسته شد، حرص و آز جنسی کم شده است و روابط نامشروع و بی‌بندوباری‌های اخلاقی رو به کاهش نهاده است؟ فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل رونق خود را از دست داده‌اند؟ سقط جنین‌ها و تولد فرزندان نامشروع مهار شده است؟ آیا بر روابط نامشروع دو جنس مخالف، روابط نامشروع هم‌جنس‌بازی افزوده نشده است؟!

اشتباه برخی از دانشمندان غربی مانند برتراند راسل و فروید، در این بوده است که غریزه جنسی را همانند میل به آب و غذا و خواب دانسته‌اند که با برآوردن آن، می‌توان از دست آن رهایی یافت. درحالی‌که آزاد گذاشتن غریزه جنسی، باعث شعله‌ورتر شدن آن می‌شود. همان‌گونه که غالب میل‌های روحی انسان مانند میل به مقام، مال، علم و ...، از این قبیل است. علاوه بر این، در دیگر نیازهای غریزی، مانند نیاز انسان به آب و غذا نیز محدودیت لازم است؛ از هر آبی نمی‌توان نوشید، از هر غذایی نمی‌توان تناول کرد؛ آیا کسی به خود حق می‌دهد که غذای متعلق به دیگری را صرفاً به این دلیل که نیاز غریزی وی اقتضا می‌کند، تصاحب نماید؟ شهید بزرگوار مطهری در این رابطه سخن زیبایی دارد:

«اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آن‌هاست. این‌ها چون یک‌طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن را دیوانه می‌سازد ... به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از



لحاظ حواجی طبیعی، مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد، ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد ... اما اینکه می گویند: «الإنسان حریص علی ما مُنِع» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷)، ولی این آتش را هرگز با طمع زیاد نمی توان سیر کرد ...

مطلب صحیحی است ولی نیازمند توضیح است. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود. به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخص بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند.

از سوی دیگر، این گفتار که «عصر ما، عصر ارتباطات است و این گونه مسائل در دنیای امروز حل شده است»، نوعی مغالطه یا هوچی گری است؛ زیرا:

اولاً قرار داشتن در عصر ارتباطات، چه ربطی به نادیده گرفتن مرزها و حریم ها دارد؟ آیا می توان به بهانه عصر ارتباطات، آداب و ارزش های اخلاقی را زیر پا نهاد و به بهانه برداشتن مرزها در ارتباطات بشر امروز، پرده اتاقی یا دیوار میان خانه ها را نیز برداشت تا هر کاری که شخص در درون خانه خود انجام می دهد، در معرض دید همگان قرار گیرد؟

ثانیاً؛ چه کسی باور می کند که این گونه مسائل در دنیای امروز حل شده است؟ فحشا، فساد، ابتذال، مجلات ضد اخلاقی، روابط نامشروع اخلاقی، برنامه های مستهجن ماهواره ای، اینترنتی و ... شواهد زنده و گویای فرورفتگی دنیای امروز در منجلاب ابتذال اخلاقی است برحسب دیدگاه اسلام، زن و مرد باید با نگاه به شخصیت انسانی هم که به طور قطع در روابطی سالم خود را نشان می دهد، در تعاملات اجتماعی حضور یابند. عایقی مفید و مؤثر به نام هویت انسانی وجود دارد که سبب ایجاد جریان سالم و آسیب ناپذیر در روابط میان زن و مرد می شود.

بر این مبنای مرد باید در زیرساخت های فکری خویش، تصویر درستی از زن به عنوان یک شخصیت ارجمند، پاک، با کرامت و با حرمت داشته باشد و زن نیز باید در روساخت های رفتاری اش که وجوه ارتباطی او را در پوشش، گفتار و حرکات نمایان می کند، حرمت و کرامت زن بودن خود را نشان دهد.



این تنها طریقی است که زن می‌تواند مقام و موقعیت خویش را در برابر مرد حفظ نماید. زن هر اندازه متین‌تر، باوقارتر و عقیف‌تر رفتار کند و خود را در معرض نمایش برای مرد قرار ندهد، بر حرمت و کرامتش افزوده می‌شود از دیدگاه اسلام، روابط زن و مرد نامحرم نباید به گونه‌ای باشد که تمتعات جنسی در آن سهمی داشته باشد؛ زیرا تمتعات جنسی، منحصرأ در چارچوب زندگی زناشویی مجاز است و کشاندن آن از محیط خانه به اجتماع، موجب تضعیف فعالیت‌های اجتماعی می‌شود و در کنار عوامل دیگر، در کاهش آمار ازدواج تأثیر مستقیم و بسزایی دارد؛ زیرا ازدواج، مانعی برای لذت‌جویی‌های نامحدود و آزاد محسوب می‌شود.

معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار، ازدواج را به صورت یک تکلیف و محدودیت درمی‌آورد که باید آن را با توصیه‌های اخلاقی یا احیاناً با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت جامعه‌ای که روابط جنسی میان زن و مرد را به محیط خانوادگی و در قالب ازدواج مشروع و قانونی محدود می‌کند، با اجتماعی که روابط آزاد در آن مجاز است، این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است.

در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آن‌ها را ملزم می‌سازد که به یکدیگر وفادار باشند، اما در سیستم اسلامی، ازدواج به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌دهد... همچنین، در سیستم روابط آزاد جنسی، همان تعداد ازدواجی هم که صورت می‌گیرد، در بسیاری از موارد به طلاق منجر می‌شود؛ زیرا، در روابط هرز، باوجود آن همه اظهار دلدادگی و عشق، عقبه سالم و پاکی برای ازدواج یافت نمی‌شود و دختر و پسر در این نوع روابط دوستانه، لایه‌های انسانی و حرمت برانگیز خود را شناسایی نکرده‌اند و تعامل فکری و روحی، نقشی در انتخاب آن‌ها نداشته است بلکه صرفاً جذابیت‌های بصری و لذت‌جویی‌های شهوانی در انتخاب آن‌ها دخیل بوده است.

بنابراین، اسلام دیدگاهی برخلاف دیدگاه‌های پیشین ارائه داده و معتقد است که اعتدال در روابط زن و مرد آن است که از هرگونه افراط و تفریط پرهیز شود؛ یعنی نه چنان سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلا به هیچ وجه قابل عمل نباشد و نه چنان سهل‌گیرانه نظر داده شود که باعث پیامدهای ناگوار و منفی شود. معیار و میزان، ارتباط درست و سالم



با حفظ همه حریم هاست. اسلام دین فطرت است. فطرت، مبتنی بر اعتدال است و از افراط و تفریط گریزان است.

در قرآن در باب پوشش شرعی تحت عنوان حجاب، خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است:

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که جلیاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را به خود نزدیک سازند (بر خویش فرو افکنند) این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند، بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است.» (احزاب/۵۹-۶۰)

استاد مطهری در مورد فلسفه حجاب بیان بسیار رسا و زیبایی دارند:

«حقیقت امر این است که در مسأله پوشش، سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می‌توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کام‌جویی کنند؛ اما در محیط اجتماع، استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند، به هر صورت ممنوع می‌باشند که این امر علاوه بر اینکه از جنبه روانی، به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌شود از جنبه اجتماعی موجب حفظ استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌شود و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.» (شهید مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۸)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم):

«بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید (تا با هم برخورد و تماس نداشته باشند) زیرا هنگامی که آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت و آمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت.»

امام علی (علیه السلام):

«اختلاط و گفتگوی مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد و دل‌ها را



منحرف می‌سازد.» (طبرسی، اخلاق، ۱۴۱۲، ق، ج ۱، ص ۲۳۰)

ج. اثرات مطلوب محدودیت ارتباط با نامحرم

با توجه به حدیث حضرت زهرا که فرمودند:

«بهترین زنان کسانی هستند که مردان نامحرم او را نبینند و او هم مردان نامحرم را نبیند.»

(مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸)

معلوم است که با توجه به این حدیث پرهیز از اختلاط با نامحرم اثرات مطلوبی برای انسان به ارمغان می‌آورد و هرچقدر که خانم، زیبایی‌هایش محفوظ باشد، مصونیت بیشتری در اجتماع خواهد داشت. البته این زیبایی عمومی دارد زیرا به‌طور کلی صرف نظر از استثنائات، زن جذابیتهای برای جنس مخالف دارد و این جذابیت اگر در پوشش یک رابطه معقول خانوادگی باشد، بسیار هم خوب و پسندیده است اما در حوزه خارج از شرع این جذابیت‌ها اثر سوء برای طرفین دارد که بحث شد. حالا در نقطه مقابل آن هرچقدر انسان از تیررس جذابیت‌های جنسی نامشروع دور باشد، آرامش روح دارد و دین مبین اسلام اصولی برای زندگی دارد که اگر درست رعایت شود، انسان از خیلی از امراض روحی نجات می‌یابد و به برکات و خیرات زیادی می‌رسد.

یکی از این اصول، داشتن نگاه پاک است که از جمله آثار آن به موارد ذیل اشاره میشود:

۱. قلبی آرام و آسوده

اگر آدمی چشمان خود را از گناه و معصیت ببندد و تابع دستورات الهی شود روح و روان و قلب وی به آرامش می‌رسد و با همین آسایش و آرامش است که وی را به مسیری درست و به سوی پیشرفت و پله‌های ترقی رهنمون می‌سازد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: کسی که چشم خود را بر گناه ببندد، غم و اندوهش کمتر شود و از هلاکت و نابودی ایمن گردد. (نوری،

۱۳۲۰، ج ۲، ص ۲۸۷)

۲. ارتقا قدر و مرتبه انسانیت

آدمی از زندگی خود چیزی جز عزت و مرتبت نمی‌خواهد و همه به دنبال حفظ شخصیت و



احترام خویش‌اند، اما معمولاً از بیراهه می‌روند که به آن نمی‌رسند و به ذلت و خواری می‌افتند در تعالیم اسلامی راه‌های مختلفی برای افزایش قدر و مرتبه انسان نشان داده شده است که یکی از آن‌ها داشتن «چشم پاک» می‌باشد.

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«کسی که بر نفس سرکش خود حاکم باشد، قدر و منزلتش بالا می‌رود.» (نوری، ۱۳۲۰، ج ۱۴،

ص ۲۶۹)

۳. شیرینی ایمان و عبادت

کسی که می‌خواهد شیرینی ایمان و عبادت را با خود همیشه احساس کند و به عبادت و ذکر واقعی با معبود خویش بپردازد، یکی از راه‌های آن کنترل نگاه است.

۴. اخلاق خوش

کسب اخلاق خوش و پسندیده یکی از نتایج و ثمرات «نگاه پاک» است فردی که چشم خود را بر حرام می‌بندد، خداوند به او اخلاق نیکو خوش عنایت می‌کند و او را با صفات نیکو پسندیده آراسته می‌کند.

امیر مؤمنان می‌فرماید: کسی که از محرّمات، چشم‌پوشی کند، صفاتش نیکو می‌شود. (مجلسی،

۱۱۱۰، ج ۱۰۴، ص ۳۸)

۵. شادمانی و سربلندی در روز محشر

سعادت‌مند کسی است که در روز قیامت در حضور خداوند سرفراز و سربلند از اعمال درخشان و پربارش باشد. اگر کسی بخواهد به این ارزش گران‌بها والا دست یابد یکی از راه‌های آن چشم پاک است.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) فرمود:

«در روز قیامت، همه چشم‌ها گریان‌اند، غیر از سه دسته: چشمی که از ترس خشیت خدا



گریان باشد، چشمی که از محارم خدا و حرام‌ها فروبسته شده باشد و چشمی که در راه خدا تا صبح بیداری کشیده است.» (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱۰۴، ص ۳۵، ج ۱۸)

۶. یافتن چشم بصیرت

یکی از نعماتی که خدای متعال به بندگان صالح خود عنایت می‌کند چشم بصیرت است که به وسیله آن می‌تواند به حقایق اشیاء و پدیده‌ها و حوادث پی ببرد و واقعیت‌ها را چنان که هست دریابد. این نعمت با ذکر و یاد خدا و انجام واجبات و دوری از محرمات، تزکیه و سرکوب نفس حاصل می‌شود. بی تردید یکی از دستورات الهی کنترل چشم است که با تسلط و کنترل آن چشم بصیرت به دست می‌آید.

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند:

«چشم‌پوشی کنید، عجایب عالم را ببینید.» (عاملی، ۱۳۲۴، ج ۲، ص ۳۹)

و باز آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند:

«هنگامی که خدا بخواهد در حق بنده‌ای خیری برساند، چشمان قلب او را می‌گشاید تا چیزهایی

را که از او پنهان بوده مشاهده کند.» (عاملی، ۱۳۲۴، ج ۲، ص ۳۹)

یکی از آثار و برکات اینکه خانم‌ها کمتر و در حد ضرورت به بیرون منزل بروند این است که بهتر می‌توانند به امورات خانه داری خود پردازند و وقت بیشتری را برای همسر و فرزندان خود بگذارند؛ اکثر مردانی که از غیرت دینی برخوردار هستند، تمایل دارند که همسرانشان اوقات بیشتری از روز را با آن‌ها و فرزندان سپری کنند و این رضایت باعث دوام زندگی زناشویی و کم شدن آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

«هرگاه زنی برای مرتب کردن خانه، چیزی را از جایی به جای دیگر ببرد خداوند به او نظر

رحمت می‌کند.» (عاملی، ۱۳۲۴، ش، ج ۲، ص ۳۹)

امام علی (علیه‌السلام): «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.» (عاملی، ۱۳۲۴، ج ۲، ص ۳۹)



پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم):

«هیچ چیز برای زن در شب اول قبر بهتر از رضایت شوهرش نیست» (عاملی، ۱۳۲۴، ج ۲، ص ۳۹)
و یا حدیث:

«یک لیوان آب دست شوهر دادن بهتر از یک سال نماز شب خواندن و روزه گرفتن است»
(عاملی، ۱۳۲۴ ش، ج ۲، ص ۳۹)
حضرت فاطمه (سلام الله علیها):

«هیچ زنی نیست که دیگ غذایش را بشوید، مگر آنکه خداوند او را از گناهان و خطاها می شوید و هیچ زنی نیست که هنگام نان پختن عرق کند، مگر آنکه خداوند بین او جهنم هفت خندق قرار دهد. هیچ زنی نیست موی فرزندان خود شانه بزند و لباس آنان را بشوید، مگر آنکه خداوند برای هر مویی حسنه ای بنویسد و برای هر مویی، گناهی را پاک کند و او را در چشم مردم زینت دهد. (فاطمه سلام الله علیها) (عاملی، ۱۳۲۴ ش، ج ۲، ص ۳۹)

علاقه زن و شوهر به یکدیگر از آیات الهی و مقدس است و با ازدیاد ایمان فرد پیوند دارد؛ بنابراین باید از هر امر مشروعی که به تعمیق این احساس کمک می کند یاری جست و از اموری که میان همسران ایجاد کدورت و سردی می کند، اجتناب کرد؛ و هرچه قدر همسران در بیرون منزل عفت پیشه کنند علاقه زناشویی بینشان افزایش پیدا می کند.

د. عواقب اخروی ارتباط با نامحرم

با توجه به احادیث زیادی که محدودیت ارتباط با نامحرم وجود دارد و ما به اجمال قبلاً به آن پرداختیم؛ و با دانستن عقوبت اخروی بیشتر به ضرورت محدودیت ارتباط با نامحرم پی می بری
قرآن کریم در این باره می فرماید:

«... إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ...» (یونس / ۲۳)

ای مردم بدانید هرگونه ظلم و ستمی مرتکب شوید و هر انحرافی از حق پیدا کنید ضررش متوجه خود شما است.



حضرت حق تعالی می‌فرماید

«وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق/۱)

هر کس از حدود الهی تجاوز کند در حقیقت به خویشتن ظلم کرده، نه به دیگران.

و نیز در سوره نساء می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

حَكِيمًا» (نساء / ۱۱۱)

کسی که گناهی مرتکب می‌شود، در واقع به زیان خود کار کرده و خداوند دانا و حکیم است.

امام باقر (علیه‌السلام) فرمود:

«هیچ نکبتی دامن‌گیر شخص نمی‌شود مگر به واسطه گناهی که مرتکب شده است.» (کلینی،

۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۶۹، حدیث ۴)

در روایتی امام علی (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید:

«خداوند آسایش و زندگی راحت هیچ مردمی را نمی‌گیرد مگر به علت گناهی که مرتکب

شده‌اند. خداوند هرگز به بندگان خود ستم نمی‌کند.» (فلسفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶؛ ابوالفتح ایشهی،

۱۴۱۹ ج ۲، ص ۴۶۱)

گناه صرف نظر از خطراتی که برای جهات فردی و اجتماعی دارد، بزرگ‌ترین عامل انحطاط و

سقوط انسانیت است.

گاهی اوقات ارتباط با نامحرم منجر به زنا می‌شود که در این رابطه هم روایات زیادی داریم.

یکی از گناهی که اسلام بر روی خطر آن تأکید فراوان داشته است و در این فرصت به آن

می‌پردازیم، زنا است که غضب پروردگار، سختی حساب، دخول در آتش و جاودان ماندن در آن را

ایجاب می‌کند. (کلینی، ۱۴۱۱، جلد ۲، ص ۲۲۴)

«إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/ ۳۳)

نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است.

همانا شدیدترین مردم از نظر عذاب مردی است که زنا کند. (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۵۴۱)



امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

«وقتی که روز قیامت برپا شود، خداوند باد بدبویی را می‌وزاند که همه‌ی مردم از آن مشمئز می‌شوند. بعد از آن منادی ندا می‌دهد و می‌گوید: آیا می‌دانید که این چه بویی است؟! مردم می‌گویند نمی‌دانیم! اما خیلی ما را آزار داد. منادی می‌گوید: این بوی بد از زنانی است که خداوند را با گناه زنا ملاقات کرده‌اند و از این کار خود توبه نکرده‌اند. آن‌ها را لعنت کنید چراکه خداوند آن‌ها را لعنت کرده است. در آن هنگام احدی در قیامت نمی‌ماند مگر آنکه می‌گوید: خداوند زنا را لعن کن.» (نوری، ۱۳۲۰، ج ۲۰، ص ۳۲۲)

سه گروه هستند که خداوند در روز قیامت از آن‌ها روی برمی‌گرداند، با آنان سخن نمی‌گوید و آن‌ها را پاک نمی‌کند: یکی از آن‌ها زن شوهرداری است که مرد بیگانه‌ای را به حریم شوهرش راه دهد و با او زنا کند. (رک: کلینی، ۱۴۱۱، ق، ج ۵، ص ۵۴۳)

گاهی به علت تبعاتی که یک رابطه ناسالم برای فرد و اجتماع می‌تواند داشته باشد، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای چنین روابطی تشریح شده است، البته تشریح چنین قوانینی، به معنای قوانین دنیوی نیست، بلکه چه بسا با توجه به اعتقادی که مسلمانان و موحدان، درباره دنیای پس از مرگ دارند، وعده به عقوبت‌های اخروی؛ نقش بسیار پیشگیرانه تری را در ارتکاب این موارد خلاف قانون شرع دن روایت مفصل و طولانی را که بیشتر مفاد آن در مصدوق در کتاب «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال» آورده که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است:

«... و هر کس، با زنی نامحرم شوخی و مزاح کند، به هر کلمه‌ای که با او گفت‌وگو کرده؛ هزار سال در آتش دوزخ او را زندانی کنند و آن زن اگر خود را با رضایت در اختیار وی قرار دهد و مرد او را در آغوش کشد یا ببوسد یا با او نزدیکی کند؛ یا این که شوخی کند تا آن که مرد از او کام گیرد بر آن زن همان گناه و کیفر باشد که بر مرد است و چنانچه زن راضی نباشد و مرد به زور از او کام گیرد، گناه هر دو بر مرد است و دو عقوبت خواهد دید.» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷)

بررسی سند حدیث

شیخ صدوق این روایت را از طریق ذیل نقل کرده است:



«حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو الصِّينِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مُبَسَّرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَبْلَ وَفَاتِهِ.» (صدوق، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۸۰)

بیشتر اوقات این روابط نامشروعی که بین دو نامحرم به وجود می آید به خاطر نوع پوشش خانمهاست که باعث تحریک مردان هوس انگیز می شود و اگر به روایات معصومین (علیهم السلام) هم رجوع کنیم، خواهیم دید آنان نیز به تبع قرآن کریم، در سخنان بسیار زیادی که واقعاً بیش از حد شمارش است، به این مساله پرداخته و حدود و میزان آن را بیان کرده اند و در برخی احادیث وارد شده است که تمام دین و ایمان، حیاء، عفت و پاکدامنی است؛ (پابنده، بی تا، ص ۴۵۴)

هم چنین در احادیث مختلفی چگونگی و اندازه پوشش زنان نیز بیان شده است؛ در حدیثی امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤالی که راجع به نگاه کردن به نامحرم پرسیده شد، فرمودند: «تنها نگاه به صورت و دو کف دست جایز است.» (کلینی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۵۲۱)

یعنی نگاه کردن به غیر این دو حرام است و بر زن واجب است تمام بدن خود به غیر از صورت و دو دست تا مچ را بپوشاند.

لذا با توجه به این آیات و روایات، در این که پوشاندن غیر وجه و دست ها تا مچ، بر زن واجب است، از لحاظ فقه اسلام هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت جزو ضروریات اسلام است و در بین مراجع نیز هیچ اختلاف و تشکیکی وجود ندارد. (مساله حجاب، ص ۱۶۵)

حتی این مساله در بین مذاهب دیگر هم قطعی است و هیچ مسلمانی نمی تواند بگوید حجاب واجب نیست. با بی حجابی و بدحجابی داریم؛ بنابراین حفظ حجاب و پوشش کامل اسلامی برای زنان مسلمان، واجب است و ترک آن معصیت بوده و از گناهان کبیره محسوب می شود و قطعاً در آخرت، عذاب خاص خود را دارد.



یکی از علل ارتباط با نامحرم چشم چرانی است که با ادامه داشتن روابط گناه چشم چرانی ابعاد گسترده تری پیدا می کند.

چشم چرانی برای انسان اثرات مخربی دارد، از جمله اینکه انسان را به خودنمایی ترغیب خواهد کرد. هر نعمتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده به گردن انسان حق و حقوقی دارد و انسان نباید از این نعمات و حقوق الهی غافل باشد. بدی چشم چرانی آن قدر زیاد است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) می فرماید: زناي چشم نگاه کردن است. (پاینده، بی تا، ص ۳۲۵)

اگر انسان از چشم خود به درستی مراقبت نکند و چشم خود را آزاد بگذارد دچار عواقب بد دنیوی و اخروی می شود. بسیاری از نگاه ها برای انسان ندامت و بدبختی به بار می آورد و انسان در همه حال باید از نگاه خود مراقبت به عمل آورد و چشم خود را به منظره های حرام آلوده نکند.

پیامبر بزرگوار اسلام در جایی دیگر (صلی الله علیه و اله وسلم) می فرماید:

«خشم خدا بر زن شوهرداری که به غیر از همسرش به نامحرمی چشم بدوزد. شدیدتر است پس در آن صورت خداوند متعال تمامی اعمال نیک او را ببهوده و باطل سازد.» (نوری، ۱۳۲۰، ج ۱۴، ص ۱۷۲)

تأملی در احادیث بالا که همگی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) هستند بر این نکته مهم تأکید دارد که آدمی در هر حال باید عنایت داشته باشد پاک نگه داشتن چشم مقدمه حفظ دامن از هر نوع آلودگی به حرام (از قبیل زنا و ...) است و این به ویژه در جوانی که در اثر طغیان غریزه شهوت زمینه آلودگی فراهم تر است ضروری تر و حساس تر است...

یکی دیگر از فرمان های الهی «غض بصر» به معنای چشم فروهستن است که خداوند درباره نگاه بیان کرده و از مؤمنان خواسته تا در برابر نامحرمان از مرد و زن چشم فروگیرند و در دیگران به صورت خیره، هیز و تیز و مستقیم نگاه نکنند. (نور / ۳۰)

بر اساس روایات، انحراف و هلاکت از دیگر پیامدهای آن است. خداوند متعال در حدیثی قدسی درباره چشم چرانی می فرماید: نگاه اول تصادفی مال توست، ولی نگاه دوم ضرر و زیان توست و نگاه سوم باعث انحراف و هلاکت توست. (صدوق، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۴، ح ۴۶۵۸)



با توجه به روایت بالا که نگاه دوم باعث ضرر و سومین نگاه موجب هلاکت می‌شود. نشان‌دهنده ضرر دنیوی است ولی از آنجایی که ضررهای معنوی در دنیا باعث خسران و ندامت در قیامت است تا مادامی که انسان توبه واقعی نکرده این حکم برایش ثابت است.

بی‌تردید، اعمال انسان در عالم هستی و زندگی دنیایی و آخرتی او تأثیر می‌گذارد. کردار نیکش پیامدهای مثبت و گناهانش آثاری سوء بر زندگانی اش دارد؛ زیرا هر رفتاری، در این عالم بازتاب مخصوص خود را خواهد داشت؛

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری ۳۰)

هر آسیبی به شما رسد، به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید. از منظر اسلام، تحمل مکافات دنیوی گناهان، برای انسان آسان‌تر از عذاب‌های آخرت است و کیفرهای دنیوی، پاک‌کننده آلودگی گناهان است.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود:

«مَا عَفَا اللَّهُ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِيهِ وَمَا عَاقَبَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ

يُثَنَّى عَلَى عَبْدِهِ» (طبرسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۷، ذیل آیه ۳۰ سوره شوری)

هر گناهی را که خداوند در دنیا عفو کند، بزرگ‌تر از آن است که در آخرت انسان را به جهت آن مجازات نماید و گناهی را که در دنیا به دلیل آن، آدمی را مکافات داده، عادل‌تر از آن است که در آخرت او را دوباره مجازات کند.



نتیجه بحث

با توجه به مراجعه به متون دینی به ضرورت ارتباط با نامحرم دست یافتیم، یعنی تا ضرورت ایجاب نکرده است ما از نامحرم پرهیز می‌کنیم ولی از آنجایی که گاهی احتیاج به ارتباط با نامحرم به وجود می‌آید، باید چارچوب اسلام و مواردی که قرآن و روایات به آن تأکید کرده‌اند را رعایت کنیم.

مثلاً اینکه هنگام صحبت یک زن با مرد، با عشوه و نازک‌گویی سخن نکند یا مرد با زن از شوخی کردن و استفاده کردن از کلام تحریک‌انگیز ... خودداری کند که اگر این ملزومات اسلامی رعایت نشود، طبق روایاتی که به ما رسیده دچار ضرر زیادی خواهیم شد که شامل برهم ریختگی روحی و مختل شدن فعالیت‌های اجتماعی و افزایش طلاق عاطفی و عدم تمایل به تشکیل خانواده که آسیب‌های بسیار جدی به خانواده و اجتماع می‌زند و البته در نقطه مقابل آن اثرات مطلوب رعایت کردن حدود ارتباط با نامحرم انسان را به رستگاری و آرامش در خانواده و اجتماع می‌رساند و باعث تحکیم خانواده و این آثار هم دنیوی وهم اخروی خواهد بود و البته عواقب اخروی در این مورد، اهمیت موضوع را بیشتر می‌کند و اینکه با توجه به آثار نامطلوبی که ارتباط نامشروع در دنیا و عقبی برای انسان‌ها دارد این انگیزه را بیشتر در ذهن ایجاد می‌کند که رعایت کردن دستورات اسلام در زندگی رهگشای خوبی برای دنیا و سعادت اخروی است.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، انتشارات آیین دانش، ۱۳۸۰.



۱. اراکی، محمدعلی، المسائل الواضحه، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز نشر.
۲. ابوالفتح ابشهی، شهاب الدین، المستطرف، عالم الکتب، بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ یا ۱۹۱۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ الصدوق)، من لایحضره الفقیه، جلد ۸، ص ۴۱۶
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ناشر سازمان انتشارات جاوی
۵. شیخ حر عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، ۱۳۲۴، ش
۶. حویزی (هویزی)، عبد العلی ابن جمعه، تفسیر نورالتقلین، بی تا.
۷. خمینی، استفتائات، ج ۳ ص ۲۷۹، سؤال ۸۴ و ۸۵.
۸. شعه چرانی، حسن ابن علی، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴.
۹. صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶.
۱۰. طبرسی، ابن الحسن، مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۷.
۱۱. علاءالدین، علی ابن حسام، (متقی هندی)، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۱۱ق
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتاب، الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، اصفهان، ۱۱۱۰ق
۱۵. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، جلد ۲ و ۱۴ بیروت، ال بیت، ۱۳۲۰
۱۶. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵.
۱۷. نعمان ابن محّد تیممی، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵

